

تاریخ نقاشی ایرانی

(باتأکید بر نگارگری مکتب دوم تبریز)

دکتر صمد جبارپور جباری

(عضو هیأت علمی دانشگاه سراسفهان)



Fadya
انتشارات فادیا

- سرشناسه : نجارپور جباری، صمد، ۱۳۵۰ -
- عنوان و نام پدیدآور : تاریخ نقاشی ایرانی (با تأکید بر نگارگری مکتب دوم تبریز)/ نویسنده صمد نجارپور جباری.
- مشخصات نشر : تبریز: فادیا، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۶۴ص: مصور (بخشی رنگی).
- شابک : 978-600-96424-1-0
- وضعیت فهرست‌رسانی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : مکتب نقاشی تبریز
- موضوع : Tabriz school of painting
- موضوع : نقاشی -- ایران -- تاریخ
- موضوع : Painting -- Iran -- history
- موضوع : نقاشی اسلامی -- تاریخ
- موضوع : Islamic painting -- Iran -- history
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ن ۳۷/۳ (ND)
- رده بندی دیویی : ۷۳۹.۱۵۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۹۵ ۴۱

11-08-1608-16:20 P.U.

- نام کتاب : تاریخ نقاشی ایرانی (با تأکید بر نگارگری مکتب دوم تبریز)
- تألیف : دکتر صمد نجارپور جباری
- ناشر : انتشارات فادیا
- حروفچینی : واحد کامپیوتر انتشارات فادیا
- تیراژ : ۱۰۰۰
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
- قیمت : ۱۲۰۰۰۰ ریال
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۲۴-۱-۰

ISBN: 978-600-96424-1-0

مراکز بخش و فروش: انتشارات فروزش

- دفتر و فروشگاه مرکزی: تبریز- خیابان امام خمینی، نرسیده به چهارراه آبرسان، نبش کوی بزرگمهر
- تلفن: ۳۳۳۶۹۵۲۵ (۰۴۱) فاکس: ۳۳۳۵۷۰۶۱ (۰۴۱)
- دفتر بخش تهران: ۶۶۴۶۱۴۶۰ (۰۲۱)

هنر اسلامی، مکاشفه‌ای استحضانی و مجاهده‌ای عرفانی از صور هستی در روند تجربه‌ای زیباشناختی برای رهایی از غربت و امکان‌دهی قربت به ذات الوهی، در بستر کلام و ادب، ترسیم و تجسیم، فضا سازی و معماری است تا از طریق تجربه‌ی شهودی و یا تجربه‌ی محسوس و آن‌هم در صحنه‌ی آفاق و انفس، ترجمانی از وجدان وحدت جانان در کثرت جهان در گستره‌ای از عالم ذر تا قیامت برای فزونی منزل و رستگاری انسان راستین باشد. هم‌چنین می‌توان هنر دینی را معرفتی دانست که بالتمام و صوابت خیال جلوه می‌کند و هنرمند از پرتو مشکات نبوت به اقتضای طبع و ذوق و الهام شاعرانه بهره می‌گیرد و بحکم وحی نبوی گردد و در ذیل آن به ظهور آید.

در باب تجلی سرای غیر از هنر اسلامی بورکهارت، هنر الهی را تجلی گاه وحدت الهی در جمال و نظم عالم می‌داند و وحدت را در هماهنگی و انسجام عالم کثرت می‌یابد و پژواک آن را در نظم و توازن می‌انگارد. میرزا الیاده نیز هنر دینی را تجلی قدسی از ظهور امر متعال، از خلال واقعیت مادی می‌داند و آن را تجلی امری و عملی از تجربه‌ای برآمده از عالم مادی در آشیایی می‌انگارد که با دنیای طبیعی جدایی ناپذیر می‌نماید. بر این اساس هنر دینی را می‌توان مبتنی بر اندیشه‌ی هنر برای انسان دانست که جانشین خدا بر روی زمین به حساب می‌آید و در نهایت هنری برای خدا و در جهت قرب به ذات یگانه او به شمار می‌آید. زیرا ساختن چیزی برای انسان به مثابه یک موجود خداگونه، به معنای ساختن آن چیز برای خدا به حساب می‌آید. در این باب بورکهارت به جمال حق و استنتاج وحدت اشاره دارد: «وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و عوالمی عکاس می‌یابد، جمال بالنفسه حاوی همه‌ی این جهات است و استنتاج وحدت از جمال عین حاصل است.» غلام‌رضا اعوانی اشاره دارد که هنرمند می‌تواند عارف و حکیم باشد، بنابراین سعی دارد حقایقی را که دیده، عینیت بخشد و رنه گون آن را برای رهایی از سیطره‌ی کمیت و دستیابی به حقیقت صمیمی و برتر می‌انگارد و شوان مشاهده‌ی صحیح طبیعت و صور هستی را برای بیان معنوی هنر می‌داند. پس جوهر هنر اسلامی غربتی روحانی و هجرانی عرفانی است که هنرمند را از احساس عدم تجانس با

موجودات عالم آگاه می‌گرداند و تمایل به جاودانگی را در او مرتفع می‌گرداند و روحی را تجلی می‌دهد که آنچه هست، سیرایش نمی‌کند و هستی را در برابر خویش اندک می‌بیند و احمق و عاری از معنا و فاقد روح و احساس می‌انگارد. ادیان بزرگ جهان و به ویژه ادیان توحیدی و به خصوص دین اسلام، نه تنها ضد زیبایی نیست، بلکه به تصریح آیه‌های قرآنی، سراسر آفرینش، صنع و فعل خداوند است که در غایت نیکویی، حسن، جمال و لطافت آفریده شده است و هیچ زشتی و کاستی در نظام تکوینی هم نیستند، هر چه هست زیباست و در فعل الهی زشتی و تباهی وجود ندارد. در آیات قرآن این مضمون آمده است که خدا، آفریدگار همه موجودات است: «الله خالق کل شیء» و نیز این مضمون به دراحت قرآن دیده می‌شود که خداوند هر چه را که آفریده، زیبا آفریده است: «هو الذی احسن کل شیء خالق» و از ضمیمه و اقتران این دو مقدمه، می‌توان یک قیاس منطقی تشکیل داد که نتیجه منطقی آن چنین است: پس هر چه آفریده شده زیباست. موجودی غیر زیبا و فاقد حسن در طبیعت، که در کل هستی و در دین نیست. افزون بر این، در عرفان اسلامی عالم به تمامی حاصل و مظهر تجلیات خداوند است. بنابراین، مثنوی که مربوط به «اسماء و صفات» پروردگار بوده و هر موجود، «مظهر» و «جلوه» یک یا چند اسم خداوند است. «اسماء و صفات» حق نیز به دو گونه کلی تقسیم بندی شده اند: اسماء، صفا، جلایه، جمالیه یا لطیفه و قهریه. تأکید عارفان مسلمان این است که در اینجا جلال و جمال و لطف و قهر امری جدا و متمایز و متباین نیستند، بلکه کاملاً مرتبط و پیوسته و در هم تنیده اند. در هر جلالتی، لطافتی است و در هر قهری، لطفی مخفی است. دیدن زیبایی‌های آفرینش نیز روح زیبا می‌خواهد زبانه‌های زیبا شناس. بی سبب نیست که در روایات دینی و دعا‌های اسلامی آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عِبْدِهِ: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و نیز دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند.» یا در برخی دعاها آمده است: «سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَ الْكَمَالَ: ای پروردگار پاک، تو کسی هستی که جامه بهجت و کمال پوشیده است.» یعنی که خداوند عین ابتهاج و دارای تمامی کمال‌هاست و لذا برترین مرتبه عشق و سرور را دارد.

نگارگری ایران یکی از هنرهای اسلامی محسوب می‌شود که تفکر و اندیشه اسلامی و عرفانی در ساختار بنیادی و مبانی آن حضور دارد. با این حال ممکن است موضوع نقاشی‌ها عرفانی،

اسلامی، رزمی و یا بزمی باشد. نگارگری ایران هنری است که همواره به عنوان یک هنر پایه‌ای و اساسی مطرح بوده و سایر هنرهای سنتی در طراحی از آن الهام گرفته و می‌گیرند. نور و فضای دید در نگارگری ایران برخاسته از تفکر اسلامی و عرفانی همواره جایگاه ویژه‌ای دارد. نور در نگارگری ایران نقش بسیار مهمی دارد. در نگارگری ایران تاریکی و تیرگی جای ندارد نگارگران برای ترسیم صحنه‌های شب در نگاره‌ها نیز از نور روز و رنگ‌های ناب و روشن استفاده می‌کنند. هنرمند نگارگر از منظر حقیقت به جهان پیرامونش نگاه می‌کند و آن را مورد مطالعه و دقت قرار می‌دهد. نگارگر می‌تواند سوار بر بال خیال در عالم حقیقت به پرواز درآید و در فضای عالم هستی و طبیعت سیر نماید و ناظر طبیعی و حتی فضای معماری و شهری را آن‌طور که باید باشد و مناسب ببیند، به تصویر می‌کشد. از این‌رو نگارگر در فضای تصویری ثابت نیست و همواره در پرواز است و می‌تواند در آن واحد هر چه در داخل بنا باشد و آن را به تصویر بکشد و هم می‌تواند مناظر بیرونی را نقاشی کند و هم پشت کوه و هم دشت و صحرا و یا هر صحنه‌ای را که مناسب ببیند، در یک تصویر نقاشی نماید. اهمیت و هدف عناصر برای نگارگر یکسان است و با فاصله یکسانی همه عناصر را به تصویر می‌کشد. به همین خاطر است که اندازه عناصر تصویری در نگاره، چه در دور دست باشد و چه نزدیک همه یکسان است. نگارگر همواره از منظر حقیقت به طبیعت و عالم هستی نگریسته و آنرا به تصویر کشیده است. در حالی که در نقاشی غرب جایگاه دید نقاش ثابت است و از منظر واقعیت به صحنه‌ها می‌نگرد. از این‌رو، تاریکی و سایه و روشن، پرسپکتیو و ... در این نوع نگاه همواره وجود دارد. چرا که هنرمند از منظر ناظر به صحنه می‌نگرد که آن ناظر، شخصیت انسانی و مادی خودش است.

دکتر محمد نجارپور جباری

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل نخست: پیشینه نقاشی ایرانی در هنرهای سنتی

مقدمه	۱۰
نقاشی ایران از آغاز تا اواخر دوره ساسانی	۱۱
نقاشی در اوایل صدر اسلام	۱۹
تاریخ نقاشی در دوره ساجویان	۲۱
نقاشی ایران در دوره ایلخانیان (نخستین مکتب نقاشی تبریز)	۲۴
مکتب نقاشی شیراز	۳۲
مکتب نقاشی هرات	۳۶

فصل دوم: ویژگی‌های نقاشی ایرانی در مکتب دوم تبریز پس از آن

نقاشی ایران در مکتب دوم تبریز	۴۲
متن فرمان انتصاب کمال‌الدین بهزاد به ریاست کتابخانه سلطنتی	۴۳
شاهنامه شاه تهماسبی	۵۷
خمسه نظامی شاهی	۶۳
مکتب نقاشی مشهد	۶۶
مکتب قزوین	۷۳

آثار باقی مانده از مکتب قزوین ۷۷

مکتب نقاشی اصفهان ۸۳

فصل سوم : نگارگران برجسته مکتب دوم تبریز

مقدمه ۹۴

کمال الدین هزاد ۹۴

سلطان محمد تبریزی ۹۷

میرمصور ۱۰۱

آقامیرک ۱۰۲

حسن بغدادی ۱۰۵

خواجہ عبدالعزیز ۱۰۷

مطهر علی ۱۰۸

شیخ محمد ۱۰۹

قاسمعلی ۱۱۱

دوست محمد هروی (گواشانی) ۱۱۱

عبدالصمد ۱۱۲

میرسید علی ۱۱۴

میرزا علی ۱۱۶

فصل چهارم: بررسی نگاره های مکتب دوم تبریز

مقدمه ۱۱۸

جمع بندی ۱۶۵

فهرست منابع ۱۶۹